بررسی فقهی قاعده نفی سبیل در روابط بین الملل

اکرم نوائی لواسانی

چکیده

قاعده نفی سبیل از قواعد عالم و کاربردی در فقه، اعم از شیعه و زهی سنی است. به‌خصوص در روابط بین الملل اسلام نقص مهمی دارد. براساس آموزه‌های دینی، نیازها و ضرورت‌های زندگی عصر کنونی با پایه‌گذاری مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با سایر ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشد. اسلام براگ این روابط، اصولی را ترسیم می‌کند که از جمله آنها: "صلا نفی سبیل‌پذیری" است. طبق این اصول که برگرفته از آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام است، حفظ استقلال و حرمت دولت اسلامی و مسلمانان و نفی هر گونه سبیل و نفوذ در ابعاد مختلف ضروری است. این آیه کاربرد این اصول در روابط خارجی احتمال دارد و در مواردی با «صلا وقای ب عهد» در تراز، باشد که به نظر می‌رسد هر چند اصل اولیه بر تقدم اصل وقای به عهد است، اما به طور کلی نمی‌توان یکی از دو اصل را بر دیگری مقدم داشته بگذاری در هر مورد پایدا براساس مصلحت دولت اسلامی و مسلمانان و قاعده‌های مهم اقدام کرد.

واژگان کلیدی: روابط بین الملل، نفی سبیل‌پذیری، استقلال، اصل وقای به عهد، مصلحت

* lavasane@yahoo.com
مقامه:

سیاست خارجی مجموعه‌ای از مسائل سیاسی مرتبط به حوزه خارجی است و از دو بخش نسبتاً تابت و متغیر برخوردار می‌باشد. قسمت تابت آن، بینانگیچه کلی سیاست‌گذاری خارجی است که خط مشی‌ها و استراتژی‌های سیاست خارجی در درون آن تنظیم می‌گردد؛ این بخش عمدها بین‌بینی بر آموزه‌های نظری و نظام ارزشهای و ایدئولوژی حاکم است. عناصر متغیر سیاست خارجی ناظر به خط مشی‌هایی است که مناسب با اوضاع و شرایط تنظیم و تدوین می‌گردد. چاپ‌گاه این بخش در سیاست‌های مختلف، اعضا از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اطلاعاتی، نظامی و... در تمام حوزه‌ها سیطره و حاکمیت دارد.

با توجه به همگانی بودن آرمان‌های جهان اسلام و ت🇵گرگ‌تاری ارتباطات در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، دو در اختیار نمی‌تواند خود در محدوده‌های خاصی محصور کند. دولت اسلامی براساس آموزه‌های دینی و نیز نیازهای ضرورت‌های زندگی عصر کنونی پایبند به دیگر ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشد تا در پروط روابط بین المللی بتوان نیازهای نظامی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به گوش جهان‌بینی برساند. از دیدگاه امام خمینی (ره): امور دینی مانند یک عائله و یک شهر است و یک شهر دارای محله‌های مختلفی است که با هم ارتباط دارد (موسوعه خمینی، 1381، ج 19، ص 242).

یکی از چالش‌های کنونی جوامع اسلامی در اجرای قاعده‌های نفوذ سیاست است. دشمنان اسلام همواره در طول تاریخ به دنبال ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان بودند و نه راه شکست این دین آسانی را در ایجاد اختلاف میان پیر و نیز دین می‌دانستند. حقیقتاً تفرقه‌های این اسلامی از موارد سیبی کزار است که باید مورد توجه مسلمانان خصوصاً علمای اسلام باشد. فواید مقام رهبری: وحدت بین مسلمین و برهمکنش تفرقه‌یک امر واجب است و ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسلمانان که به نفع دشمنان و به نفع استکبار جهانی و بهره‌برداری بین المللی است، حرام است.

در بیش از هیچ‌یک از ازمابند روابط و ارتباطات خارجی با کشورهای غیرآرامی به بخش اول روابط کشورهای اسلام‌یه از هر دو طرف قاعدات این قاعده برنامه‌ریزی و کنترل شود. برداشت ابتدا از این قاعده بیشتر روابط کشورهای اسلامی با نهادی‌های بین‌المللی و عضویت در سازمان‌های متعدد و اتحادهای برخطی کوانتاسیون‌های بین المللی را به شکل جدید روبرو می‌سازد. ناگفته بی‌پناهی است با مسئول این موضوعات در سازمان‌های متعدد که مسئول عضویت از سازمان‌ها و معاونت بین‌المللی را در شرایط مقررگیری و نافزار قانونی نکند. به اساسی می‌توان گفت که این امر مصادف با پذیرفتن سیاست و سلطه کفار می‌باشد. اینجا است که موجودی فقهی و وقیف و مهم جانبه این قاعده در این
زمان کامل محسوس است. در صورت شناخت دقيق جایگاه نظر سیبی و عینیت بخشیدن و عملی کردن
این قاعده فقهی تمام راههای نفوذ و فشارگان در ابعاد مختلف
سیاسی، فرهنگی، اطلاعاتی، اقتصادی و... مسند موجود کردن، زمینه اعمال نفوذ بر رفتار کنمش
با واکنش‌های مسلمانان بای توجه ماند. این شاهده

مفاد قاعده نظر سیبی: سیب در لغت به معنی طریق، راه، راه آمار و حجت است. اما درمعنای
اصطلاحی به معنی قانون و شریعت است. (بجنوردی، 1419، ص 143) (نکاتی لحظاتی 1450، ج 1 ص
234-242). سیب، به معنی راهی است که در آن به سهولت و آسانی است و گاهی از حجت به سیب
تغییر می‌شود. (راوی اصفهانی، 1411، ص 247) و همچنین کلمه سیب به معنی راه، عقب، عتاب،
دهن، راه همگانی، راه حق، حجت، استناد، سلطه و اختصارداری آمده است. دولت هنگامی که با
حرف "علي" به کارمی رود به معنی عقاب، عتاب، غله و سلطه و استناد استعمار می‌گردد. (همان,
۳۹۵). مراد از "نظر" سبیل شدن و مسند بودن است. این در ابتدای عبارت منظور این خواهد بود که تا ابد
وضع به این منوال است و هیچ گاه غله-ای در برخی کافران مهال نخواهد شد. مهم ترین مؤدین این
نظر حديثی است که شیخ صدوق از حضرت رضا (ع) نقل می‌کند به شرح ذیل است: بدزم از احمد
بن علی انصاری و وی از اباسته هروی نقل می‌کرد که وی گفت: به امام رضا (ع) گفت که در
نودیکی کوفه روبره هستند که گمان می‌کردند (ص) در نمایش مرتکب سهو نمی-شد است.
پس فرود: دروج می-گوید، خدا امیر را لعنت کند، کسی که سهو نمی-کند خدا خدا است که
خدا هو یا وجود ندارد. اباصل که گوید: به امیر رفتن از گزینه رسول خدا و در میان ایشان
کسی هستند که می-پندارند حسین بن علیه السلام که نشد و حظوظه بس عاد شامی چنین
گمان کرد است، و وی هم چون عیسی بن میرم (ع) به آسانی برده شده و به این آیه استدلال
می-کند که لن جعل الله للکافرین علیه المؤمنین سبیلاً پس فرود: دروج می-گوید، پس بر ایشان باد
غضب و لعنت خداوند، و به دلیل کذب دانتی گفتار رسول خدا (ص) کافر شهد-اکد که هم ایشان
خیر داده است که حسن بن علیه السلام که خداوند و امر المؤمنین و حسن بن علیه که بهتر
از حسن (ع) بودند که شهدن، و از ما نبست مگر آن که کشته می-شود؛ و من به حدا قسم با ستم و
نبردگی کسی که نبردگی می-زند کشته خواهم می-شوم- و من این مطلب را از عهد موعودی که به
رسول خدا (ص) می-رسید و جربه برای ایشان از پرورداز عالم عزوجل خیر آورده، می-دانم. و اما
سخن خداوند عزوجل که: و لن جعل الله للکافرین علیه المؤمنین سبیلا، مراد آن است که خداوند
127
فصولهم علمي: يزوهقي قضا و بيان حقوق اسلامي / سال دهم / شماره 3 / يناير 96

براي كافر عليه مؤمن حسن قرار نذاره است و خواوندن عزوجل خبر داده است از تفاريقه بينايران را به ناحق می-کشند و على- رغم کشف شدن ایشان توسط تفایل، خواوندن برای کفار سپسیل (راهم) علیه بينايران خود از طریق حجت (برهان) قرار نذارده است. (صدوق، 1415، ج 1، ص 219) (فیض کاشانی، 1418، ج 1، ص 513) برجی از فقها و مفسرين به استفاده این روايت ننه معانى سبیل در این آیه را سبیل به معانى حجت و برهان می-دانند. برجی از این مفسرين عبارتند از: تنجه سیبوزاری، 1406-1410 (فیض کاشانی، 1418، ج 1، ص 248) سید هاشم بحرانی، 1416، ص 191 (شیخ طوسی، (1407) شرف الاهیجی، (1373، ج 1، ص 574) مقدس اردبیلی، (پی تا، ص 439) طبرسی، (3، ص 196) و از عالمان اهل سنت می توان به مفسرين دلیل اشاره كرد: عبد الله بن عمر بیضاوی، (1418، ج 12، ص 104) غرناطی، (1416، ج 1، ص 214).

با بررسی اجمالی می-توان مدعی شد که دیدگاه غالب در میان مفسرين شیعه و برجی از مفسرين اهل سنت تفسیر آیه به معانى حجت و برهان است که موافق با سیاق آیه و روايات موجود به نظر می-ردد. مستند نظر اهل سنت روایت است که از حضرت علی (ع) ابی عباس نقل می-کنند. در این روايت ربع خصوصی می-گوید: نزد علی (ع) بودم، پس مردی به ام گفت: ای امیرالمؤمنین آیا سنخ خداوند را دیده-ای که و لن يجعل الله للکافرین علی المؤمنين سبيلاء کوچمه چینی چيزی ممكن است و ایشان با ما-چینگنه و احیاناً پرور هم می-سند. پس حضرت علی رفومود: معنى این، روز قیامت، روز داوری است. (ابوحنیان، انقلابی، 1420، ج 4، ص 105) (ابن ابراهم، (1419، ج 4، ص 195) (طبرسی، 1412، ج 1، ص 213) برجی به توجه به دلالت مختلف از جمله حديث امام رضا (ع) در مفسرين شیعه، حديث متاقل از حضرت علی (ع) ابی عباس در میان مفسرين سنی و هم چنین نحوه عمل فقهی، تمامی معانی ذکر شده در قبل یا پس از معانی فوق را برای آیه منصور شده و آیه را در معانى خاصي محدود نکردهاند. در این دسته برجی معنى آیه را حجت و برهان دنبال به همراه حجت اخوی دانسته و برجی دیگر آن را دو معاني حجت و استدلال دنبال و نه سبیل در تشريع متصور شده-اند. برجی دیگر نیز هر معنی فوق يعني حجت و برهان دنبال، نفس سبیل در تشريع و نفس سبیل در نهراندان را عنوان نموده-اند. به عنوان نمودن مشکوک می-توان به این منابع اشاره کرد: شیخ علی (ج 1413، ص 249) و از عالمان اهل سنت نوز می توان به علوم (5، ج 3، ص 779) و فجر رازی (1420، ج 11، ص 248) اشاره کرد. روايات اسمه (ع) غر و شروت مؤمن دلیل دارد. امام صادق (ع) می فرمایند: همانا خداوند امور مؤمن را به خودش تفوقیض کرده است ولابنیه تفوقیض نکرده است که ذلک یاددان... فالمؤمن يكن عزیزاً و لايكون ذلیلاً (شیخ طوسی: 1420، ج 7، ص 179).

128
لذلك ومضمون قاعدة: لسان قاعدته (لفظ سبيل) حكومته وافقه است بر أده اوليه: يعني به مقترحه
أين قاعدته، هي عقد وجموعة وهم معامله وهر ابتكار وهر قرارداده به حسب طبع تلقى اش أكر موجب
علوو وعصر وشرف كافر بر مسلمان شود منتبه است واعتبار حقوقي نارد، داخل اتفاقات و
عمومات أولية هن وجب جا اطلاق وعوم سيب عصر كافر وذلت وها مسلمان شود اين قاعدته آن را
نفي مي كن، اين قاعدته جون بساري از احكام ديجر اسلام في تراحم وبرخورد با مصالح مهم و
تخصيص اذن است.

ملاء في نفي سبيل: روابط مقابل مسلمانان با كفار مبتنى بر يک ملاك ثابت است و آن نفي نفوذ و
سلطة كفر است. يعني هرگاه ایجاد ارتباط با كفار همراه نوعی نفوذ در جامعه اسلامی شود، ممنوع،
وگونه آزاد است. از این رو، قراردادهای فرهنگی، نظامی، اقتصادی، وهرنوع همکاری در زمینه های
فنی، صنعتی، پزشکی و کشاورزی با اطمانان از نیود سلطه کفار بر مسلمانان، محترم و روا هستند؛ زیرا
در عصر حاضر، هیچ کشوری نیز تواند بدون همکاری و ارتباط با دیگر کشورها به طور شایسته
حیات سیاسی، صنعتی و اقتصادی خود را تداوم بخشد. ولی اگر برخی از قراردیا و همکاریا ها، زمینه
را برای استیلای فکری، فرهنگی و سیاسی کفار بر مسلمانان فراهم آورند، ارزش عملی ندارند و
باید لغو شوند. حضرت امام خمینی (قدس سره) در این باره می فرماید: اگر در روابط اقتصادی و غیر
آن بر قطع اسلام و بلد مسلمین، ترس باشد که بیگانگان بر آن تسلط سیاسی یا غیر آن، که
موجب استعمار آنان با استعمار بادلشان ولو از حيث فرهنگی می شود، می پیدا کند. بر همه مسلمین
واجب است که از این روابط اسارت کند. و این گونه روابط، حرام می باشد. اگر روابط سیاسی
بين دولت های اسلامی و بیگانگان، موجب تسلط آنان بر کشورها، شهرا، یا نقوش و اموال مسلمانان
شود یا باعث اسارت سیاسی آنان گردید، برقراری این روابط و مناسبات بر زمام داران دولت ها حرام و
بیگانه یا می بهندند، باطل است و بر مسلمانان واجب است آنها را ارشاد کند و دست کم با
مبارزه متفکر به ارتباط نیوز روابط وادارشان سازند. (موسیخ حمیدی، 1366، اصحج 2، ص 239، مسئله 9)
جايباه قاعدة نفي سبيل: في بررسي جايباه قاعدة نفي سبيل مي توان نسبت آن را با متاعق مي مورد
كاش قرار داد. تعبير "نفي سبيل" در عنوان قاعدة بر گرفته از قرآن كريم است: "لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلها مشهور فقهيان از اين قاعدة همچون قاعدة "الاضمر" جبته سيلي و كنترل كنیدی نسبت به سابا احادم و قواعد فقهی برداشت کردها. همچنان در قاعدة لاضهر مشهور بر آن است که احکام یضربر از سوی شعار مقدس جعل نشهد است، در قاعدة نفي سبيل نیز این که در روایت مسلمان مسلمان وکافر هیچ حكم يا قاعدة که در بردارند یا هو نوع سلطة، برتری و امتیاز برای کافر نسبت به مسلم باشد، شرعاً جعل نشهد است. برای مثل، با وجودی که طبق عمومات و اطلاعات الله معاملات، معاملات اقتصادی با کافران جابج است، ولی در صورته که معامله با کافر تملک بنده مسلمان را برای کافر نتیجه دهد، باطل است: زیرا تملک کافر نسبت به مسلمان از مصادق بارز سلطة و چیگری کافر بر مسلمان است. (انصاری، 1389، ص 158)

امام خمینی (ره) مانند دیگر فقهی به این قاعدة در تطبيق و تقريع فروعات فقهی توجه داشته اند و در کتاب البعث به به بحث و بررسی و تبیین مفاد و مستندات این قاعدة درخواسته اند. (موسوی خمینی، 1421، ج 2 ص 721-727) نگاه اجتماعی و سياسي امام به این قاعدة و توجه به مفاد و مقتضای آن، یکی از اصول ترتیب دادن به امام در جامعه است. امام ضمن اعتقاد به این مهم که این اصل دارای جنبه سياسي است (موسوی خمینی، 1421، ج 2 ص 725) آن را یکی از اصول مهم اسلامی می دانند. (موسوی خمینی، 1384، ص 470) و در راستای همین ادیسه آن دسته از مستندات مسلمان نیز که به نفع کفار کار می-کنند و راه تسلط کفار بر مسلمانان را هموار می-نماید، خائن دانسته (موسوی خمینی، 1381، ج 3 ص 487).

مستندات قاعدة: قرآن کريم: از جمله آیاتی که بیشتر فقهی در موارد مختلف به آن استدلال کرده

امام خمینی (ره) در این قاعدة، از جمله آیاتی که بیشتر فقهی در موارد مختلف به آن استدلال کرده
خداوند بارک و تعالى في اين آية شريفة مي فرمايد كه در عالم تشريعت هيج قانون حكمي كه موجب
سبيل و علو و سلطنت كافر بر مؤمنين و مسلمين باشد وجود ندارد و تشريعت و جعل ن.masاهه است. اين
حكم چه در باب عبادات و چه در باب عادات و چه در سياسات، جعل نmasاهه است و بنابراين، هر
قانون حكمي كه از تاهاي آن حكم، موجب برای علو و سلطنت كافر بر مسلم باشد به مقتضاي اين آيه
شريفه از صفحه تشريعت مرفوع است.

انجى في اين آية شريفه است، يك جعل تشريعتي است نه جعل تكويني گروه و ترک گفتگان گفتگاند كه
اين نفي كه در آيه شريفه آمه است به لحاظ تكوين نيز هست؛ يعني که عالم تكوين خداوند سيحان
چنين چيزي را جعل نكرده است و هميشه مسلمانها تفوز و سلطه و سلطنت دارند. لكن ظاهر اين آيه
 بيانگر اين معنا نیست.

علامه طباطبائي رحمت الله در اين مورد مي فرمايد: ممکن است نفي سبيل اعلان غير مناسب بدانند و آخري
باشد، زيرا مؤمنين مادامي كه به لوازم ايمان خوئيش التزام داشته باشند، بر كفار غلب و مسلط و برتند
(طباطبائي، 1417، ج 5 ص 116).

از ديدگاه برخی فقهاء مهم-ترین دليل قاعده نفي سبيل استدلال به عموم آيه است. بنا بر اين نظر،
استفاده از نکره در سياق نفي افاده عموم می-کنند (علامه حلي، 1414، ج 1 ص 135). و نفي هر
قانون سبيل به معناي نفي سبيل تشريعي هم خواهد بود. ديدگاه اين دسته از فقها نوعاً همگان با مفسرينی
است كه معناي عام از سبيل را اراده می-کنند.

امام خميني (ره) از جمله فقهایي است كه مواقف اين قاعده و استدلال به عموم آني است. در ميان فقها
كمتر كسي را مي-بابييم كه هم چون ايشان درباره استدلال به اين آيه سخن گفتند و معمولاً به
صرف استدلال به عموم بسته می-کنند.

روایات: روایات مربوط به عزر و شرافت مسلمانان و سلطه نابیذري آنان بسیار است. مدلول التنزيمی
روایات این است که اسلام با هرگونه سلطه و حاکمیت کافران، به ویژه کافران حربی که با مسلمانان سر
ستبر و جنگ دارند، مخالف است و هر گونه حکمی که در آن استئصال پذیرش حاکمیت غیر خدا بر
مسلمانان شود باطل و ناصحیح است. مستند از قاعده نفي سبيل نيز می-چيزي جز این نیست که راه
هرگونه نفوذ کافران برای سلطه و حاکمیت بر امت اسلامی در اسلام مسدود است. برخی از روایت
هایی كه در اين بحث وارد شده است، عبارت است: از اين الله تعالى يقول: "و دين أهله الّ‌غزه و الرّسّول
للمؤمنين و لكن المنافقين لا يعلمون) منافقون 8-كلبي، 1385.5 – طوسي ، 1387، ج 6 ص 17.

131
ب──م ب──م الله علیه و آله: الإسلام يعلم ولا يعلم عليه، والكفار بملكوت الموت لا يحجون ولا يدرون.
(طوسي، 1417 ج، ص 34، ج 1 ص 34) ان ب──م بن‌المهذب ج 1 ص 395.
جوهر الفقه ص 5، لقب 210 او ادريس الحلي - محقق حلي - علامة حلي - محقق كركي - شهيد
ناني - محقق اردبيلي - الشيخ انصاري و...

دليل عقل: بي شك عقل في مقايسه أموره هاي اسلام با دیگر مکتب الّه، شرائط و برتری اسلام

بر دیگر ادیان آسانی حکم می کند؛ زیرا احکام و قوانین آن از جهات مختلف جامعیت دارد.

ب──هی است که در اسلام دستوری که موجب ذلت و خواری مسلمانان باشد مردود و باطل است. زیرا
پذیرش قولانی که موجب سر شکستگی و خواری مسلمانان شود، با أموره های اسلام ناسازگار خواهد

بود و سر از تنافذ در می آورد. بنابراین، به حکم عقل و با توجه به مقدمات یاد شده، نه تنها در اسلام
احکامی که سلطه و برتری غیر مسلمان را بر مسلمانان در دیار و وجود ندارد، بلکه بر اساس دستورهای

اسلام باید با هرگونه سلطه و حاکمیت کافران و بیگانگان، (و به وزآمریکا و صهیونیسم) مبارزه شود. 

هرگونه همکاری و هم‌هم‌گاهی نیز که به حاکمیت و تسلط کافران کمک کند، مصداق بارز تعاون بر ام

است و به حکم تعمیلی مسلمانین حرام خواهد بود.

اجماع: سومین مستند قاعده نیم سپیل اجماع است. اجماع منقول به نقل متواری(نقرانی، 1418 ج، ص
1 ص 332) بلکه اجمال محصل قطعی (بجنوردی، 1386 ج، ج 1 ص 61) ثابت است بر این که در
شیره اسلام حکمی که موجب تسلط کافر بر مسلمانان باشد، جعل نشده، بلکه در تمام احکام اسلامی

جانب تسلط مسلمان بر کافر رعایت شده است.

ابن روشن است که این نوع اجماعها که اتفاق کندگان اتکا و اعتماد بر اظهار قرآن و روایات
داشت. اجماع مادری با روای خواندن می‌شود و با اجماع مصطلح اصولی که اصالة حجت

است، متفاوت است: لذا این نوع اجماع مادری اصالة حجت نیست و فقهی باید بیش از مراجعه به
اجماع به همان اصلود مدارکی که اتفاق کندگان مراجعه کردن‌رژون کند و به بررسی استحکام و

صحبت آن ادله بر اساس بسیار وقت‌های ادله حکم وجود داشته باشد، تکیف به بررسی ادله وجود خواهد

داشت و استناد به اجماع موردی ندارد ( همان، ج 1 ص 191)

مناسبی حکم و موضوع: دیگر مستند قاعده نیم سپیل، دلیل مناسب حکم و موضوع است، با این
توضیح که موضوع شرائط و عرض اسلام و مؤمنان( الله عزّ و جلّ و لرسوله و للمؤمنین منافقون-8)
مختص بلکه علت نامه است برای این که در احکام و قوانین اسلام، آنچه که موجب ذلت و تحقیر اسلام

132
و مسمان است، جعل نوشودزیرا خداوند عزّت را منحصر به خودش و پیامبر و مؤمنان دانسته است.

(همان) از مجموع مزدک شرعي قاعده این نتیجه به دست می‌آید که قاعده نیست کفار بر مسلمانان، دارای مرکز و سند محکم شرعي است، عقل نیزم به آن حکم می‌کند یکی از نشانه‌های کامل بودن و چاودانگی است.

کاربرد و موارد تطبيق: ضمانت اجرای قاعده نفى سلطة کفار، علاوه بر عدم نفوذ و نیفتان، ایجاد مسئولیت مدنی و کیفری است، همچنانه علاوه بر حرمت و عدم جواز آن سبب عقوبت اخروی است. بیماری از قبلا، قاعده نفى سبل را با صراحت، در ابواق اثر، ضمنا، رهن، حاله، اجراه، عاریه، تولید، نفل، وکالت، بیع، نجاح، شفعه، قطعه، قضاوت، نذر، دیات و قصاص مطرح کرده و پذیرفته‌اند. قلمرو کاربرد قاعده نفى سبل، هم در حقوق خاصی است (اعم از قراردادها و مایر حقوق مالی) و هم در احکام کیفری (دیات و قصاص) هم در احوال شخصی و هم در حقوق عمومی اجرا می‌گردد. منظور از نفى سبل، نفى سلطه بر همه مسلمانها، اعم از شیعه و فرق آن، سنی و فرق آنها، اعم از زن و مرد است.

نفى سبل و سیاست خارجی اسلام: منظور از سیاست خارجی، خط مشی و روشی است که دولت اسلامی در پرداختن با مسائل خارجی از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موضوعات و منافع خود اتخاذ می‌کند. دولت اسلامی نمی‌تواند خود را در محدوده جغرافیایی خاصی محصور کند ولذا بر اساس آموخته‌های زندگی و نیز نیازها و ضرورت‌های زندگی عصر کنونی بايد با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشد. به‌طور روابط بین‌المللی بتواند پیام الهی را به گوش جهانیان برسانند. روابط دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها بر اساس عدلت و آمریکی دیگری می‌شود. اقتضا آن این است که دولت اسلامی با گروه‌ها و دولت‌های غیرمسلمان که به دولت اسلامی و مسلمانان تعلیم نمی‌کند و به پیام خوش باشد، روابطی مسالمت‌آمیز داشته باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در فرازهای از عهدنامه مالک اشتر که برخی از اصول و قواعد روابط خارجی

دولت اسلامی بیان شده است، فرموده‌اند: اگر با داشتن خوبیت پیمان بست با امانی داده، به آن وفادار باش و خودت را سپری در پیام پیمان و عهدی که بستی قرار ده زیرا مردم با وجود اختلاف آراء و عقاید، در هیچ واگچی از واجبات الهی به انداده وفای به عهد و پیمان اتفاق نظر ندارند. حتی مشارکان هم وی که به عهد را در میان خود لازم می‌شمردند، زیرا عواقب ناگوار ندار و پیمان شکیکی یا دریافت بودند. پس در آن‌چه بر عهد گرفته‌ای، خیانت می‌کنی پیمان را مشکل و خصمت را به پیمان مفریبی

زیرا تنها نادانان شقی در پیام خدای تعالی، دلبری کند. خداوند پیمان خود را به سبب رحمت و محبتی

۱۳۲
دیلماسی و رفتار سیاسی در اسلام: دیلماسی به مفهوم استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز در تعقیب اهداف و منافع دارای قدمت تاریخی بیان، با سابقه تمدن بشری است و به تحویل با تمدن اسلامی نیز گرده خورده است.

در اسلام دارای ماهیت جهانی بوده و مخاطبان خود را عوام افراد بشر قرار داده است؛ در این راستا بر تنوع فرهنگی، تاریخی، نژادی و قبیله‌ای ادعا می‌کند، اما هیچ‌گاه در حد یک معاصر رفتاری به رسمیت نمی‌شناسد. اسلام و سیاست اسلامی حضور مسلمانان نمی‌تواند در قبول موضوعی قابل، منتفی و شعب صخه می‌گذارد. نبادل سفیر و نامه‌های پایامی به رؤسای ممالک همسایه، امضای پیام و معاهمات سیاسی - امتنع با جوامع بیگانه و غیر مسلمانان مبتنی بر قبول موضوعی آنان بوده و با توجه آن است که اصل نشان‌پذیر در روابط خارجی اسلام با جوامع بیگانه مورد توجه بوده است.

اسلام برای گسترش خود روش استفاده از عقل و استفاده را به شیوه‌ها مورد توجه قرار داده و "اصیل دعوت" را به عنوان بیانی روابط خارجی مسلمانان با جوامع غیر مسلمانان مطرح می‌سازد.

بقره آیه ۲۵۶، لازکره فی الادین

اصیل مصونیت سیاسی سفیران در رفتار سیاسی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نمی‌تواند از نظر حقوق اسلامی کامل‌دیده می‌شود. به لحاظ نظری، مصونیت سیاسی نماینده‌ها در جمهوری عقد امان مورد تایید قرار می‌گیرد. این نکته با توجه به مفهوم امان در قانون اسلام و تحلیل مفهوم مصونیت سیاسی معاصر واضح می‌گردد.
تروم و ضرورت اعطاف مقابل دشم، همین بس که در نفک اسلام ناب اوازی طبیب و قطع رابطه با دولت ها و کاهش ارتباك با دینا جایی ندارد. "لا یتَّبَکُمُ اللَّهُ عَلَى الْذِّينَ لَمْ یَقَطَنُوا فِی الْدِّی�ِ وَ لَمْ یَخْرُجُواْ مِنْ دِیْارِکَمْ أَنْ تَبْرُؤُوهُمْ وَ تَشْفَیعُواْ إِلَیْهِمْ إِنَّ اللَّهَ یُجِبِّ الْمُشْعَرِیْدِیْنَ ( سوره ممتنع آیة 8 )" هدا شما را از کسانی ( از کفار ) که با شما درباه دین نجنگیده و شما را از خانه هایتان بیرون نکرده اند مع نمی کند که این جائی کودک و با قسط و عدل رفتار نمایند. زیرا هدا عهادت پیشگان را دوست دارد.

در دیلمانی اسلامی، در اساس تعالیم وحی، یک سلسله اصول و قواعد فقهی و حقوقی، بر روابط مسلمانان با کفار حاکم است، وی متاسفانه در دیتای امرز، روابط و دیلمانی مسلمین با کفار، بر طبق دستورات دین مسیحی اسلام نیست و حتی دین، نقش تعمیمی کننده بر دیلمانی باید کفار را ندارد و آنچه شیوه عملکرد ما را مشخص می کند، اصول حاکم بر دیلمانی جهانی است که مبنی بر دموکراسی غربی و بر پایه تشیع زدایی و دوروی و نفگری و ريا مباد. در جهان امرز، اصولی وجود دارد که چگونگی رابطه با سایر کشورها در مشخصی که این اصول نه تناصر اسلام سرجاهم نگرفته اند، بلکه مشا آن، نظارتی که کفار و غرب بوده است.

قرآن به دلیل دشمنی یک کافران، به مسلمانان دستور می دهد تا همیشه آساده باشند و نیروی های خود را تقویت کنند و اهداف الیه می استطاعت گفتن و روابط پذیرای ترجمه بعده به عنوان الله و عضو کم و آخرینی از دوستان لا تعلق می کنند طولانی طولانی وما نتفظوا از شیوه سبیل الله بیفکری لا تعلق می کنند و آنها لا تعلمونه الله ( انفال، آیه 10 )
با آمادگی مسلمانان، دشمن دیگر جرث حمله به کيان اسلامی را نخواهد داشت. پیام این آیه به تمام مسلمانان آن است که تولید قدرت در کشورهای اسلامی، ضمن حفظ عزت و استقلال دینی اسلام است.

خداوند به مؤمنان عزت داده است و آنان باید این عزت و سرافرازی را حفظ کنند: وله آده وزلسوله وملومنین، ولکن، المانیقین لیعلیون (منافقون، آیه 8) بر این اساس، هیچ‌گونه مسلمانی نمی‌توانند بر فرد یا اجتماع مسلمانان ولایت و سرسری داشته باشند و نیز مسلمانان حق تندرو در امور مربوط به مردوخیش با کفران، دولت اسلامی در روابط خارجی خوش باید چنان رفتار کند که با پیشگیری از سطح پیگاهان بر کیان اسلامی عزت و استقلال مسلمانان حفظ شود.

همچنین دولت اسلامی در برقراری روابط با سایر دولت‌ها، باید قاعده مصحت و حکمت را هم در نظر بگیرد. طبق اصول روابط بین الملل در اسلام، در هر دو دو دوره زمانی متناوب با اقتضایات آن دوره خاص بکرکی اعمال و قوانین موجه است، برای مثال در زمان پنجمی آرم (ص) شرایط اقدام می‌کرد که به مسیحیان تجزیه و اعماه دلیل دانسته بوده‌اند. درک نمونه تاریخی، استفاده از عنصر مصلحت برای حفظ عزت اسلامی، صلح حذفی و صلح امام حسن(ع) با معاونیت بود.

احکام روابط بین الملل: دین اسلام دارای ماهیت جهانی بوده و مخاطبان خود از عموم افراد بشر قرار داده است، در این راستا بر نوع فرهنگی، تاریخی، نژادی و قبیله‌ای اذعان می‌کند، اما هیچ‌گاه در حد یک معيار رفتاری به رسمیت نمی‌شناسد. اسلام و سیره سیاسی حضرت رسول بر قبول موجودیت قبیله، ملت‌ها و سپاه صحیح می‌گذرد. تبادل سفر و نامه‌های پیامبر به رؤسای ممالک همسایه، اضای پیام و معاهده‌های سیاسی – امتیاز با جامعی پیگاهان و غير مسلمان می‌تواند بر قبول موجودیت آنان بوده و پیامگان آن است که اصل سنتاسی در روابط خارجی اسلام با جامعی پیگاهان مورد توجه بوده است.

(صفرگری، پی تاریخ 2 ص 57) در نظام اسلامی پای بندی به تعهد، از جمله اصول ارزشی است که در روابط با دیگران مورد توجه قرار می‌گیرد. مسلمان در این نظام، نه حفظ منافع ملی محور و معارف پیوند ها نیست، بلکه ارزش‌های مکتبی و دستورالای مذهبی نیز در روابط نقص تعیین کننده دانسته، به غنوان مثال، سلطنت ثابت‌نگری (نفی سیل) یکی از قواعد پذیرفته شده فقهی است که در اربابیت با کفاران، چه روابط فردری و چه روابط بین المللی، نقش پایه‌ای و محوری دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

قاعده نفی سیل در قرآنی‌ها: حقوق بین الملل پس از جنگ جهانی دوم پیشرفته چشمگیری داشته است به نحوی که تمامی تلاش‌های بشری به سوى حاکمیت قانون و جلوگیری از قانون جزئی بوده است.
سيارى إزب ممايرى حاكم بربواي بين الملل.ظاهر سبارة جوءري بربواي سياسى ياقفتان. از
جمله مواسرة قوا، برداوت جراى جنگى، من문화ت پناهدگان و یآ تن دادن به حکمیت محاکم
بين المللی نیز که همگی اموری تحملی هستند. به نظر می رسد که اعمال نفی سبیل آسان اما وقی با
تسلط خبره المللی و قدرتها بر همه روابط مواجه می شود، می بیشین که اعمال نفی سبیل بمراتب
دیوارتر است از آنچه که ابتدا به ذهن می رسید. دشمنان قراردادهایی را پیش می کنند داده اند که باید
مرآقت بود.

مورد عدم پایبندی به قراردادهای بین المللی: پایبندی به معاهدات بین المللی از اصول سیاست خارجی
دولت اسلامی محسوب می شود، اما در مواردی به دولت اسلامی اجازه می دهد تا در قبال برخی
پیمانها، معاهدات نداشت و آن پیمان را نادیده اگرد:

1) نقض عهد: اسلام پایبندی دولت اسلامی را به معاهدات بین المللی منعقد کرده، ضروری
می داده و نقض آنها را به بهانهای مختلف نقض کند، اعتماد سایر کشورها را از
دوست می دهد و منزوی می شود. دولت اسلامی نیز برای توسیع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید سعی
کند تا روابط متقابل خود را به دیگر کشورها تقویت نماید. «این ناامنی از قیامهای باغبادی، تقلید:
سواه این الله لا تجبیح الخاکینی» انفال: 58 (با ظهور نشانه‌هایی) از خیایت «گروهی برای داشته
باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافل‌گیران کند) به طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمان‌شنگان غو
شهد است؛ زیرا خیاونده خاندان را دوست ندارد.

2) خوف خیانت: اعتماد متقلب یا به سیاری از همکاریها و پیمان‌های بین المللی است، اگر کشوری
در صحته بین المللی قراردادهای خویش را به بهانهای مختلف نقض کند، اعتماد سایر کشورها را از
دست می دهد و منزوی می شود. دولت اسلامی نیز برای توسیع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید سعی
کند تا روابط متقابل خود را به دیگر کشورها تقویت نماید. «این ناامنی از قیامهای باغبادی، تقلید:
سواه این الله لا تجبیح الخاکینی» انفال: 58 (با ظهور نشانه‌هایی) از خیایت «گروهی برای داشته
باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافل‌گیران کند) به طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمان‌شنگان غو
شهد است؛ زیرا خیاونده خاندان را دوست ندارد.

3) تضاد با مصالح دولت اسلامی: متابع دینی که وقایع به عهد را ضروری می داند، حتی موردی را
که قراردادی به ضرور دولت اسلامی باشد، شامل می شود و علائم طبیعتی در این زمینه می نویسد: "آن
السلام برای حمایت العهد و وجوی اف‌ف به على الاطلاق سواء اتفاق به العهد و/یا تصری دعا ما اوقت
المتاق فإن رعاية جانب العدل الاجتماعي الزم و أوج من رعاية اي نوع خاص أو شخصي: " طبیعتی(، 1417، جیص 143)
لروم پایبندی به معاهدات اگرچه به ضرور باشد لازم است: چراکه
رعاية عدالتی اجتماعی از هر نوع شخصی دیگری لازم است.
فلّٙبٔٝ فّٕ٣  پظٚٞـ٣ فمٝ ٚ ٔجب٘٣ عمٛق اػلأ٣ / ػبَ

(4) مغایرت با اهداف جهانی اسلام: از دیدگاه برجی، لزوم پایین‌دی به معاهده‌ها بین‌المللی یک

استنادا دارد و آن در صورتی است که پایین‌دی به پیمان‌های بین‌المللی جهانی اسلام

شود. آیت‌الله عایز‌الولانی درباره چنین پیمان‌هایی می‌نویسد: "بنابراین، هر قراردادی که سد راه

پیشرفت ایدئولوژی اسلام باشد و یا پس از آنکه به طور مشروط معقد در چنین شرایطی قرار

gerفت، ناگزیر ارزش حقوقی خود را از دست داده و از نظر منطق جهانی اسلام کاند لیکن شناخته

خواهد شد.

درتیجه دولت اسلامی، با توجه به ضرورت زندگی اجتماعی و نیز ادله دینی، می‌تواند با ساير دولت‌ها

معاهداتی را منعقد کند و در عقیده این قراردادها بايد شرایط خاصی که در دین منظور است مورد توجه

قرار گیرد و اگر مواردی هم در لزوم پایین‌دی مطرح می‌شود به صورت استثناء و با توجه به شرایط

خاصی است، که با دقت و کارشناسی معاهدات، و نیز توجه به استقلال پیمان‌ها، دولت اسلامی,

می‌توان از بسیاری از این استنادات که تحقق آنها وجه به بین‌المللی دولت اسلامی را خدشه‌دار می‌کند,

جلوگیری کرد.

نتیجه گیری: قاعده نçı سبیل از مهم ترین و اساسی ترین قواعد فقهی اسلام است. به موجب این قاعده

راه هر نوع نفوذ و تسلط کفار بر جوامع اسلامی در حوزه های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و

فرهنگی یابید مسدود شود. در این آیه شریعت، شارع مقدس و قانون کفار اسلام در مقام بیان یک قاعده

کلی در جامعه ی اسلامی است. مستفاد از این قاعده، هر حکمی، هر عقیده، هر معامله و پیمانی که

موجب علی کفار بر مسلم و جامعه اسلامی شود، منفی است. بنابراین قاعده نçı سبیل بر ادله اولیه و

احکام، حكومات واقعی دارد.

از بعد سیاست خارجی، اسلام هم‌واره بر عزت و استقلال مسلمانان تأکید و وزیده و جایز نمی‌داند که

کفار بر سرنوشت و مقدرات مسلمانان مسالم شود. با توجه به عزتی که خداوند برای اسلام و

96 / شماره 3 / پاییز
مسلمانان قرار داده، هرگونه سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و عقیدتی، غیرمسلمانان بر مسلمانان معنی شده است. در نتیجه به هر میزان که سلطه کفاح بر مسلمین بیشتر شود، عقبماندگی و فقر و تحجر در جوامع اسلامی گستردهتر و مشکلات مسلمین عمیق‌تر می‌گردد. بر اساس اندیشه‌های امام لزوم توجه به این قاعده در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی دولت اسلامی ضروری است.
فهرست متابع

قرآن كريم
1. نهج البلاغة، ترجمة محمد دشتی، 1384. ق، نشر موعود السلام، ایران، تهران.
2. ابن براهم، عبد العزيز، 1410 ق، المهدب، قم، مؤسسات النشر الإسلامي، ایران، تهران.
3. امین، سیده نصرت، 1361 ه، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، چاب اول، نهضت زنان مسلمان، تهران.

4. انصاری، مرتضی، 1389 ه، المکاسب، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
5. بجنوردی، سید حسن (بن ابی بزرگ موسوی)؛ 1419 ه، ق، القواعد الفقهیه، 7 جلد، نشر الهائی، قم، ایران، اول.

6. بجنوردی سیدمحمد موسوی، 1375 ه، ق، القواعد الفقهیه، قم، نشر تبلیغات اسلامی.
7. بحرانی، سید هاشم، 1416 ه، الپرها در تفسیر القرآن، چاب اول، بنیاد بعثت، تهران، ص 191.
8. جصاص، آحمد بن علی الرازی، جصاص آبی بکر، 1405 ه، احكام القرآن، دار احیاء الكتب العربي، قم، مؤسسه التاریخ العربی.

9. جرجعلی، مهدی‌الدین حسن، 1413 ق، تفصیل و سوالات شیعه و تحریل مسائل الشرعیه، ج 11.

10. حلبی، علامه جمال الدین الحسن، 1414 ه، تذکره الفقهاء، چاب اول، مكتبۃ المرتضوی لاحیاء الآثار الجغرافیه.

11. -- Hồ sơ 1408-1414 ه، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، 4 جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ایران، دوم.

12. حقيقة، سیدصادق، 1376 ه، ق مسئولین های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران.

مختصات تحقیقات استراتژیک

13. راغب اصفهانی، حسن بن محمد بن مفضل، 1412 ق، مفردات الفاظ القرآن.
14. صدر، جواد، 1392 ه، حقوق دیلماتیکی و گنبدی نشر: دانشگاه تهران.
15. صدوق قطی، محمد بن علی بن بابویه: 1415 ه، من لا حضره الفقهیه، 4 جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علومیه، قم، ایران، دوم.
16. صفری، محمد بن با، حقوق بین المللی عومومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1346 ه.
17. طباطبائی، سید محمدحسین، 1417 ق، المیزان در تفسیر القرآن، بروت، مؤسسه الاعلی، للمطبوعات.

140
18. طوسي، إبراهيم محمد بن حسن، 1407 هـ، المبتدئ ـ دفتر انتشارات إسلامي وابنته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم، 1378/1478 ق، المبسط في فقه الإمامية، 8 مجلد، المكتبة المرتبطة لإحياء الآثار الجغرافية.

19. تهران، إيران، سوم، 1407 هـ، دفتر انتشارات إسلامي وابنته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم.

20. 1407 هـ، الخلاف، ج 4، دفتر انتشارات إسلامي وابنته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم.

21. عاملی كریکی، محقق ثانی علی بن حسن، 1414 هـ، جامع المقدسی فی شرح القواعد، ج 12، مؤسسه الفیت (ع)، قم، ایران، دوم.

22. علی‌دوست، ابوقلی‌اسم، 1383 ق، دفاع نش سبیل مکاله.

23. عمیم زنجانی، عباسعلی، 1379 هـ، فقه سياسي، حقوق معايدة فی الیملی و دیلماسی در اسلام.

24. تهران، سمت، 1416 ق، 4 غرافینی.

25. فرهیشه ثانی الدین، فرنهگ فرهیشه، 1377، وزه‌ها واصطلاحات-سیاسی-حقوی-انتشارات زرین.

26. فیض کاشانی، 1418 هـ، ماله محسن، تفسیر الصافی، تحقيق حسن علمی، چاب دوم، انتشارات الصدر، تهران.

27. فخر رازی، محمد، 1420، مفاتیح-الغیب بیرون: دار احیاء الیتری، قم.

28. کلیسی، محمد بن عقوب، 1365، کافی، ج چهار، تهران، دارکتاب الإسلامیه.

29. لهجی، 1373، دموکراسی و حقوق بشر در ایران (سومین دهه جمهوری اسلامی)، 8.

30. لنگرانی، محمد فاضل، 1425 هـ، قواعد الفقهیه، قم، مرکزفقهی انتظه اطلاب.

31. محقق داماد، پیتا، دفاع نش سبیل-مقابله.

32. محمدی ری شهروی محمدی، 1386، موسوعة الامام علیه السلام (دارالحدث)، 1379، ج 4.

33. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۶۶، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الإسلامیه.

34. موسوعة خمینی، سیدروح الله، 1425 هـ، تجویز الیسولیه: ترجمه، اسلامی، علی، ج 4، دفتر انتشارات إسلامی وابنته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.

35. تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مركز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

36. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) 1421/1418 ق.